

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

کار آفرینی، نوآوری و اقتصاد مقاومتی

دکتر یوسف محنت فر^{۱۸۳}، اسما رحیمی پاتاق^{۱۸۴}، عالیه بخشیان^{۱۸۵}

چکیده

کارآفرین (Entrepreneur) کسی است که یک کسب و کار یا تجارت را سازماندهی کرده، مدیریت نموده و ریسک آن را بر عهده می‌گیرد. کارآفرین در واقع عامل تغییر است. کارآفرینی نیز فرآیند کشف ترکیب‌های جدید برای منابع است. در صورتی که ارزش بازاری که با این ترکیب جدید از منابع ایجاد شده است، از ارزش بازاری که این منابع می‌توانند به تنهایی یا در ترکیبات متفاوت در جایی دیگر به وجود آورند بیشتر باشد، کارآفرین به سود دست می‌یابد. «کارآفرین» که در قرن سیزده میلادی در فرانسه رایج بوده و به معنای «انجام یک کار» یا «قبول مسئولیت چیزی» می‌باشد. مفهوم کارآفرین در قرن ۱۶ برای اشاره به فردی که ریسک راه‌اندازی یک بنگاه را متحمل می‌شد مورد استفاده قرار گرفت. اولین کاربرد آکادمیک این کلمه توسط یک اقتصاددان، احتمالاً به سال ۱۷۳۰ بنام ریچارد کانتیلون باز می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

کارآفرینی، خصوصی سازی اقتصاد، اصل ۴۴، میزان تصدی دولت، اقتصاد بازار، توسعه پایدار

^{۱۸۳} - دکتر یوسف محنت فر، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران ۰۹۱۱۱۲۵۰۴۱ E.mail: ymehnsatfar@yahoo.com

^{۱۸۴} - اسما رحیمی پاتاق، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع - سیستم های اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه علوم و فنون بابل.

E.mail: asma_۰۰۰۹۸@yahoo.com

^{۱۸۵} - عالیه بخشیان، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه مازندران.

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

کارآفرین کسی است که یک کسب و کار یا تجارت را سازماندهی کرده، مدیریت نموده و ریسک آن را بر عهده می‌گیرد. کارآفرین در واقع عامل تغییر است. کارآفرینی نیز فرآیند کشف ترکیب‌های جدید برای منابع است. در صورتی که ارزش بازاری که با این ترکیب جدید از منابع ایجاد شده است، از ارزش بازاری که این منابع می‌توانند به تنهایی یا در ترکیبات متفاوت در جایی دیگر به وجود آورند بیشتر باشد، کارآفرین به سود دست می‌یابد. امروزه مقوله‌ی کارآفرینی از سوی بسیاری از کشورها و ممالک جهان به عنوان یکی از مقولات مهم و تحول‌آفرین آغاز هزاره‌ی سوم مورد توجه و عنایت خاص واقع گردیده و از آن به عنوان مزیت و شایستگی رقابتی بنگاه‌ها، ملتها و کشورها و نیز استراتژی مهم توسعه از جانب اقتصاددانان و صاحب نظران مختلف نام برده شده است (به نقل از صندوق تحقیق و توسعه، ۱۳۸۹). این جایگاه از آن جهت برای کارآفرینی تعریف گردیده است که همه روزه بیش از پیش شاهد پیشرفت‌های با اهمیت و حیاتی در عرصه‌های مختلف حیات ملی کشورها که ریشه و منشا در فعالیت‌های اصیل کارآفرینانه دارد می‌باشیم به گونه‌ای که اثرات، تبعات و نتایج بی‌بدیل و ارزشمند کارآفرینی از آن تداعی‌الگوی کارآمدی و عامل اصلی شکوفایی، رشد و توسعه بویژه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی را در اذهان و باورها مطرح نموده است تا بدانجا که میتوان ادعا نمود آن منجی جوامع در حال توسعه در هنگامه‌ی حساس و پرفراز و نشیب و بشدت متغیر جامعه اطلاعاتی می‌باشد (به نقل از صندوق تحقیق و توسعه، ۱۳۸۹). با توجه به تجارب بدست آمده از بکارگیری همه‌جانبه‌الگوهای کارآفرینی از سوی کشورهای نظیر سنگاپور، ماز، تایوان، هنگ‌کنگ که به بره‌های آسیا معروف گردیدند و با عنایت به مختصات و ویژگی‌های موجود در ایران و نیز ظرفیت‌های غنی و سرشار انسانی نظیر جوانان برومند، زنان و مردان فرهیخته، روستانشینان سخت‌کوش و دلیرمردان ایلات و عشایر میتوان از کارآفرینی بعنوان گزینه برتر و ارجح و نیز اولویت استراتژیک توسعه و برون رفت از وضعیت فعلی و رسیدن به مطلوب واقعی، آنچنانکه در سند چشم‌انداز کشور پیشبینی گردید نام برد (به نقل از صندوق تحقیق و توسعه، ۱۳۸۹). ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته تفاوت اساسی دارد

مروری بر ادبیات موضوع

کارآفرینی در دهه‌های اخیر به عنوان بهترین مسئله کشورهای صنعتی و حتی برخی از کشورهای در حال توسعه بوده و هست. با اینکه موضوع کارآفرینی در اروپا بیش از یک قرن قدمت دارد ولی تنوع در نوع کارآفرینی، شیوه‌شناسایی کارآفرینان، الگوهای رفتاری آنان، نقش کارآفرینی، آموزش کارآفرینان و سایر ویژگی‌های بیشتر محققان و اندیشمندان حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی را به خود مشغول کرده است. در اوایل دهه ۱۸۰۰ دو اقتصاددان به نام‌های ژان باتیست سی و جان استوارت میل، کاربرد آکادمیک واژه «کارآفرین» را باز هم گسترش دادند. سی بر نقش کارفرما در تولید ارزش از

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

طریق خارج ساختن منابع از یک حوزه دارای تولید کمتر و انتقال آن به حوزه‌های مولدتر تاکید می‌کرد. میل نیز در کتاب معروف خود با عنوان «اصول اقتصاد سیاسی» که در ۱۸۴۸ به نگارش درآورد از واژه «کارآفرین» برای اشاره به کسی که هم ریسک یک کسب و کار و هم مدیریت آن را بر عهده می‌گیرد، استفاده کرد. میل از این طریق تمایز میان کارفرما و دیگر صاحبان کسب و کار (از قبیل سهامداران یک شرکت) که ریسک مالی آن را متحمل می‌شوند، اما به طرز فعالانه در عملیات‌های روزانه شرکت یا در مدیریت آن نقشی ایفا نمی‌کنند را نسبت به کانتیلون، به شکلی مشخص‌تر بیان نمود. دو اقتصاددان برجسته قرن بیستم با نام‌های جوزف شومپتر و اسرائیل کرزنر در کتاب آکادمیک از مفهوم کارآفرینی را باز هم اصلاح کردند. شومپتر بر نقش کارآفرین به عنوان مبتکری که با ارائه کالاها یا روش‌های تولید جدید، تغییری را در اقتصاد به وجود می‌آورد، تاکید می‌نمود. کارآفرین از نقطه نظر شومپتری نیروی ویرانگر اقتصاد است. وی بر فرآیند مفید «تخریب خلاق» تاکید می‌کرد که در آن معرفی کالاهای جدید، به از رواج افتادن یا شکست دیگر کالاها منجر می‌شود. معرفی سی‌دی و کنار رفتن ضبط وینیلی تنها یک نمونه از مثال‌های بسیار زیاد «تخریب خلاق» است. مثال‌های دیگر شامل اتومبیل، برق، هواپیما و کامپیوترهای شخصی و... می‌شود. کرزنر بر خلاف دیدگاه شومپتری توجه خود را به کارآفرینی به عنوان یک فرآیند اکتشافی معطوف می‌ساخت. از نگاه کرزنر، کارآفرین کسی است که فرصت‌های سودآوری که سابقاً به آنها توجه نشده است را کشف می‌کند. این اکتشاف کارآفرین سبب شروع فرآیندی می‌گردد که در آن، فرصت‌های سودآوری تازه کشف شده در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند تا جایی که رقابت در آن فرصت کسب سود را از میان می‌برد. کارآفرین از نقطه نظر کرزنر، بر خلاف نیروی ویرانگر مورد نظر شومپتر، یک نیروی متعادل‌کننده است. فردی که پی برد افزایش در میزان ثبت نام در دانشگاه شهر سبب بروز فرصت سوددهی در بازسازی خانه‌ها و تبدیل آنها به آپارتمان‌های اجاره‌ای شده است مثالی از این نوع کارآفرین است. اقتصاددان‌ها در مکتب جدید اقتصاد اتریشی ایده‌های شومپتر و کرزنر را بیشتر توسعه داده‌اند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، دولت‌های ایالتی و محلی آمریکا تمرکز سابق خود بر جذب شرکت‌های بزرگ تولیدی به عنوان محور سیاست‌های توسعه اقتصادی را به کناری نهادند و در مقابل، توجه خود را به ارتقای کارآفرینی معطوف ساختند. در همین دوره شاهد افزایش چشمگیری در تحقیقات تجربی راجع به بحث کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بودیم. در برخی از این مطالعات به بررسی اثر عوامل مردم‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی بر احتمال تصمیم افراد برای کارآفرینی پرداخته می‌شود.

کار آفرینی و توسعه اقتصادی

وجود یک استراتژی درست توسعه کارآفرینی برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران اهمیت بسزایی دارد و چگونگی تصمیم گیری در مورد اتخاذ این استراتژی به دولت و سازمانهای دولتی برمی گردد و پر واضح است که جایگاه و اهمیت آموزش کارآفرینی و نقش و جایگاه دولت در آن با توجه به وجود همین استراتژی توسعه کارآفرینی اهمیت می یابد. بر همین اساس اگر مولفه های درست و به جایی برای این استراتژی انتخاب شوند مسلماً فرایند آموزش کارآفرینی و دیگر فرآیندهای مرتبط با استراتژی توسعه کارآفرینی روند مناسب خود را خواهند یافت. لذا آنچه که در ذیل آمده است تبیین همین مؤلفه های یاد شده و نقش و جایگاه دولت و سازمانهای دولتی می باشد. دولت می تواند برای توسعه کار آفرینی که منجر به توسعه اقتصادی بشود اقدامات زیر را بوجود بیاورد .

ایجاد زمینه های فرهنگی و فرهنگ سازی ۲- آموزشهای تخصصی در غالب آموزشهای فنی و حرفه ای و علمی کاربردی ۳- حرکت به سمت ارتباط مستقیم دانشگاه ها و صنعت

ایجاد و تقویت ارزشها ، نگرشها و رفتارهای کارآفرینانه بطور کلی تحت عنوان فرهنگ سازی کسب و کار از مؤلفه های اصلی استراتژی توسعه کارآفرینی است. این هدف عمدتاً در قالب سیاستهای تشویقی و ترویجی و آموزش در کلیه سطوح و لایه های اجتماعی پیگیری می گردد. آنچه که در این ارتباط در کشورهای دیگر مشاهده شده است این است که نقش سیاستها و برنامه های دولتی در فرهنگ سازی مذکور در این کشورها کم رنگ تر از نقش بخش خصوصی است و به عبارتی دقیق تر فرهنگ سازی مورد نظر در بستری از همکاری دولت و بخش خصوصی در این کشورها صورت می گیرد. بخش اصلی فرهنگسازی بر دوش نظام آموزشی و بخش دیگری از آن بر دوش رسانه ها عمومی است. دوره های متعددی برای آموزش کارآفرینان در سطح های مختلف نسبی و در لایه های مختلف اجتماعی توسط بخش خصوصی و دولتی اجرا می شود. معمولاً دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در کشورهایی نظیر آمریکا ، کانادا ، ژاپن ، آلمان ، بریتانیا ، هندوستان و ... که دارای دوره های تربیت کارآفرینی در سطح تخصصی هستند عموماً به عنوان معتبرترین مراکز آموزش کارآفرینی شناخته می شوند. در کنار برنامه های آموزشی برنامه های ترویجی ، تشویقی و حمایتی نیز وجود دارند که دولت جهت پشتیبانی از برنامه های آموزش کارآفرینی می تواند ایفا کند. ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته به طور اساسی تفاوت دارد. شاخص های سخت افزاری و دارایی های مشهود که دیروز در جایگاه یک بنگاه اقتصادی نقش تعیین کننده داشت جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات جدید و دارایی های نرم افزاری داده است. تولید علم و

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حاشما، واقعیتها، راهکارها"

دانش، بهره گیری از دانش و گسترش آن در سطح جامعه در تمام زمینه های اجتماعی توانمندی و قدرت ایجاد می نماید. کشورهای که بخش قابل ملاحظه ای از تولید علم و دانش را به خود اختصاص داده اند، از نظر صنعتی توسعه یافته و از توان سیاسی و اقتصادی بالایی برخوردارند. بدیهی است تولید علم و دانش جزء از راه تحقیق حاصل نمی گردد. رابطه سرمایه گذاری در امر تحقیقات و تولید علم و رابطه تولید علم با توان سیاسی و اقتصادی کشورها یک رابطه مستقیم است. به کارگیری دانش و مدیریت در هر جامعه زیربنای نوآوری و خلاقیت هاست. بنابراین لازمه رشد اقتصادی در دنیای امروز توسعه مراکز تولید دانش، فناوری و مهارت های فنی است که مهم ترین آنها دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی هستند. دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی به عنوان رکن اساسی در توسعه همه جانبه کشور باید از هر نظر مورد حمایت قرار گیرند و محققان و اساتید باید از جایگاه ویژه ای برخوردار باشند تا با آسایش خیال قادر باشند نیروهای جوان و طالب علم کشور را اهل فکر و نظر، نوآور و خلاق پرورش دهند. در دنیای امروز بزرگترین سرمایه های یک بنگاه اقتصادی نیروهای اهل فکر، یادگیرنده و خلاق آنها هستند و این نیروها کسی جز کارآفرینان نیستند.

دامنه ی تاثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است. از تغییر در ارزشهای اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی، اثر گذار است. کارآفرینی تغییرات و اثرات بسیار زیادی در اقتصاد ایجاد کند که به نمونه های از آن می توان اشاره کرد: *ایجاد ثروت *اشتغال زایی *ایجاد و توسعه ی فن آوری *ترغیب و تشویق سرمایه گذاری *شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید *افزایش رفاه *سازماندهی و استفاده ی اثر بخش از منابع کشور

کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا جلوگیری می کنند و به واسطه ی رفتارهای فرصت جویانه ی خود، اقدام به فرصت سازی برای کلیت نظام اقتصادی می نمایند (قوچانی، ۱۳۸۷). ویژگی بارز اقتصاد امروز تغییرات سریع است. در چنین اقتصادی کشورهایی می توانند موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. کشورهایی که در آنها میزان فعالیتهای کارآفرینانه بالاتر است به واسطه طبیعت کارآفرینی در تطبیق با تغییرات، قادرند تا در اقتصاد جهان موقعیت بهتری کسب کنند (قوچانی، ۱۳۸۷)

نقش دولت در توسعه کارآفرینی

اتخاذ یک استراتژی درست توسعه کارآفرینی برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران اهمیت بسزایی دارد و چگونگی تصمیم گیری در مورد اتخاذ این استراتژی به دولت و سازمانهای دولتی برمی گردد و پر واضح است که جایگاه و اهمیت آموزش کارآفرینی و نقش و جایگاه دولت در آن با توجه به وجود همین استراتژی توسعه کارآفرینی اهمیت می یابد. بر همین اساس اگر مولفه های درست و به جایی برای این استراتژی انتخاب شوند مسلماً فرایند آموزش کارآفرینی و دیگر

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

فرآیندهای مرتبط با استراتژی توسعه کارآفرینی روند مناسب خود را خواهند یافت. لذا آنچه که در ذیل آمده است تبیین همین مؤلفه های یاد شده و نقش و جایگاه دولت و سازمانهای دولتی می باشد. ایجاد و تقویت ارزشها، نگرشها و رفتارهای کارآفرینانه بطور کلی تحت عنوان فرهنگ سازی کسب و کار از مؤلفه های اصلی استراتژی توسعه کارآفرینی است. این هدف عمدتاً در قالب سیاستهای تشویقی و ترویجی و آموزش در کلیه سطوح و لایه های اجتماعی پیگیری می گردد. آنچه که در این ارتباط در کشورهای دیگر مشاهده شده است این است که نقش سیاستها و برنامه های دولتی در فرهنگ سازی مذکور در این کشورها کم رنگ تر از نقش بخش خصوصی است و به عبارتی دقیق تر فرهنگ سازی مورد نظر در بستری از همکاری دولت و بخش خصوصی در این کشورها صورت می گیرد. بخش اصلی فرهنگسازی بر دوش نظام آموزشی و بخش دیگری از آن بر دوش رسانه ها عمومی است. دوره های متعددی برای آموزش کارآفرینان در سطح های مختلف نسبی و در لایه های مختلف اجتماعی توسط بخش خصوصی و دولتی اجرا می شود. معمولاً دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در کشورهایی نظیر آمریکا، کانادا، ژاپن، آلمان، بریتانیا، هندوستان و ... که دارای دوره های تربیت کارآفرینی در سطح تخصصی هستند عموماً به عنوان معتبرترین مراکز آموزش کارآفرینی شناخته می شوند. در کنار برنامه های آموزشی برنامه های ترویجی، تشویقی و حمایتی نیز وجود دارند که دولت جهت پشتیبانی از برنامه های آموزش کارآفرینی می تواند ایفا کند.

دولت از طریق آموزش و پرورش و موسسات وابسته به آن می تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند و از طریق تشویق و توسعه فرهنگ آموزش کارآفرینی زمینه و بستر لازم برای پیدایش و پرورش افراد کارآفرین را فراهم سازد. بزرگترین نقش دولت، تغییر فرهنگ ارزشی در جهت ارزشمند نمودن نقش کار در جامعه است. دولت با تأمین خدمات آموزشی زیربنایی بستری را فراهم می آورد که طی سالیان متمادی بازدهی به مراتب بیشتر از آنچه که تصور می شود خواهد داشت. البته منظور از خدمات آموزشی زیربنایی تنها تأمین آب، برق، تلفن، تلگراف و جاده نیست بلکه در عصر حاضر خدمات اطلاع رسانی و پژوهش برای توسعه آموزش کارآفرینی جزء لاینفک اینگونه خدمات هستند. بهبود وضعیت تشریفات اداری امر آموزش کارآفرینی یکی از راههای توسعه آموزش کارآفرینی است و در این زمینه دولت می تواند مراحل انجام کار اداری را بهبود بخشد و از بروز فساد و انحراف جلوگیری نماید. همچنین دولت می تواند با ایجاد دوره های آموزش فنی و حرفه ای به آموزش کارآفرینان بالقوه و تبدیل آنها به کارآفرینان بالفعل همت گمارد و در کنار آن با ارائه مشاوره های مختلف، کارآفرینان را در ادامه راه پر مشقت خود یاری نماید. این کمک ها می تواند از طریق شورای جوانان، شورای بانوان، سازمان بهره وری و مراکز مشاوره ای و دانشگاهها صورت پذیرد. اما نکته

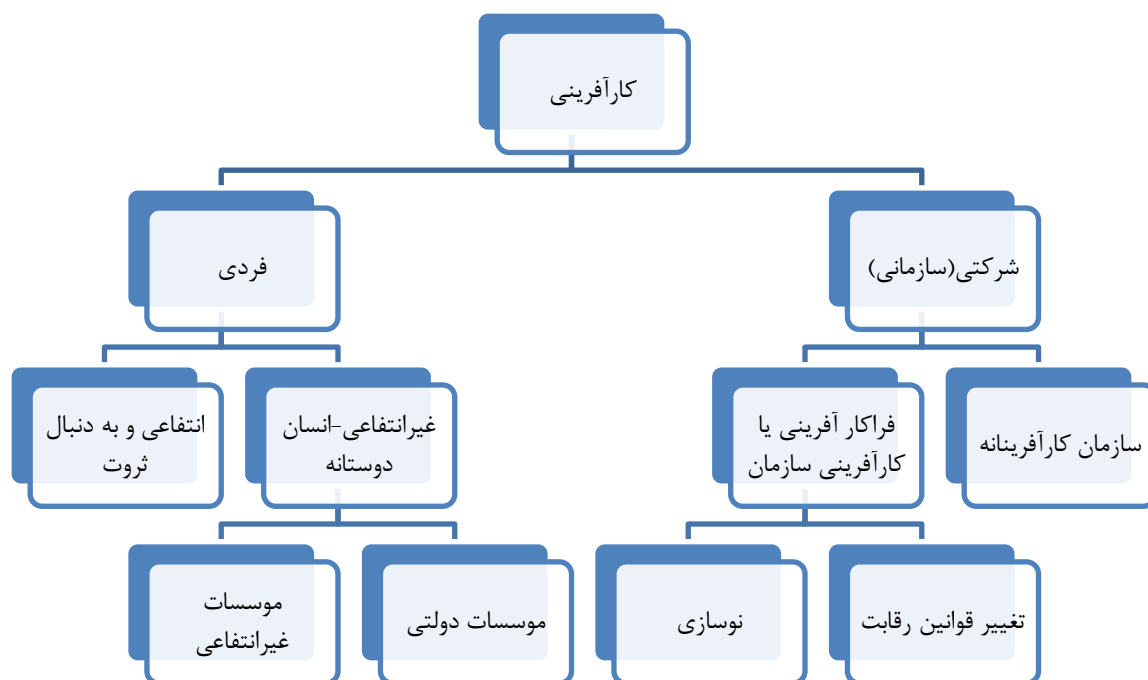
دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

مهم که در این ارتباط باید بدان اشاره نمود این است که حمایت های گوناگون از طرف دولت باید بگونه ای صورت پذیرد که روحیه خود انگیختگی، توفیق طلبی، پشتکار و خطرپذیری را از میان نبرد و بالعکس مشوق آنها باشد.

ابعاد کارآفرینی

با در نظر گرفتن پیشنهاد های گات (Guth) و گینزبرگ (Ginsberg) در دهه ۱۹۹۰، زهرا (Zahra) ابعاد کارآفرینی را به شرح زیر مشخص می نماید: نوآوری در تولید، نوآوری در فرآیند تولید، نوآوری در تشکیلات یا نوآوری در سازمانی، ایجاد مشاغل جدید داخلی و بین المللی و تجدید راهبردی. نوآوری متضمن تولید محصولات جدید، فرآیندهای تولیدی جدید و سیستمهای سازمانی جدید است. خلاقیت تجاری جدید مؤید رشد و گسترش موسسه به بازارهای جدید است که با ارائه محصولات واقعی و نیز توانایی ارائه کالاهای جدید برای بازارهای موجود همچنین برای بازارهای جدید همراه است. این بازارهای جدید می تواند در سطح ملی و بین المللی توسعه یابد. نوسازی راهبردی مستلزم تجدید ساختار فعالیتهای شرکت یا تغییر دادن دیدگاه تجاری، روش آن و یا هر دوی آنهاست. خلاقیتهای تجاری جدید، توسعه و گسترش بین المللی و نوسازی راهبردی، پایه و اساس و سنگ بنای یک مفهوم پویا و دینامیک از راهبرد مؤسسه ای هستند که متضمن ورود به بازارها و فعالیت های تجاری جدید است و در نهایت نوآورانه تنها شامل این تغییرات است بلکه شامل فرآیندهای تولید و محصولات جدید نیز می باشد (مهدوی و رافعی، ۱۳۸۵)



کار آفرینی و اقتصاد مقاومتی

کار آفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحرانهای داخلی و باقی ماندن در عرصه رقابتهای جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. کشورهای مختلف به سه دلیل برای موضوع کار آفرینی اهمیت قایل شده و به آن پرداخته اند که عبارتند از:

- ۱- ایجاد و توسعه تکنولوژی ۲- تولید ثروت در جامعه ۳- ایجاد اشتغال. در شرایط فعلی کشور و نیز روند تغییرات بین المللی و پدیده جهانی شدن اقتصاد و با توجه به سه دلیل مذکور، لازم است تا موضوع توسعه کار آفرینی به عنوان برنامه ای راهبردی تلقی و به آن پرداخته شود. به اعتقاد کارشناسان و متخصصان، در شرایط فعلی کشور، بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسئله ی بیکاری، توسعه و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جامعه است. زیرا یکی از علل اصلی رشد نرخ بیکاری در کشور ما، توسعه نیافتگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه است و اینکه مردم وحتى تحصیل کرده ها و فرزندان خانواده های متمدن هم دنبال این هستند که از طریق بخش دولتی کسب و کاری برای خود ایجاد کنند.

در نظریه هایی که اخیراً در زمینه رشد اقتصادی ارائه شده است، بر عواملی مانند تحقیق و توسعه و انباشت سرمایه انسانی بر افزایش رشد اقتصادی در اقتصاد همه کشورها تأکید جدی شده است. شناسایی صحیح موتور رشد کشور، و سیاست

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

گذاری و برنامه ریزی در جهت تحریک بخشیدن بدان، از جمله امور مهمی است که می تواند حضور دولت در هر سطحی را برای تسریع فرآیند رشد اقتصادی کشور با ایجاد اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران توجیه کند. بهبود بهره وری به عنوان یکی از کارآمدترین روش های افزایش نرخ رشد اقتصادی مورد توجه بیشتر برنامه ریزان و سیاستگذاران در کشورهای مختلف بوده و سرمایه گذاری های بسیار زیادی را در این خصوص انجام داده اند. سرمایه گذاری در زمینه ارتقای سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه ۱۸۶ مصادیقی از این قبیل اقدامات دولت ها برای ارتقای بهره وری است. رشد و توسعه اقتصادی امری است که در نتیجه تحقیق و پژوهش در راستای اقتصاد مقاومتی تحقیق می یابد. بنابراین، اگر دست یافتن به سطوح بالای توسعه یافتگی یکی از اهداف مهم است، بدون توجه به تحقیق و پژوهش، این هدف حاصل نخواهد شد. تحقیق و توسعه کلید اصلی رشد فناوری و رشد تولید ملی در فضای اقتصاد مقاومتی محسوب می شود. که باید دولت بدان توجه جدی نماید. اقتصاد مقاومتی در سایه تولید علم و تبدیل آن به ثروت حاصل می شود و باید برنامه های دولت و همه دستگاه های اجرایی در این راستا حرکت نمایند.

اقتصاد کشوری که دارای جهان بینی خاصی است و این جهان بینی با منافع ابرقدرت های دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود. چرا که دشمنی ها با چنین کشوری همیشه ادامه دارد و در هر دوره ای به شکلی بروز می کند. از این روی باید همه سازوکارها و اجزا کشوری مثل ایران به گونه ای طراحی شوند که از آن در برابر تهدیدها حفاظت کنند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند. کشور ایران که همیشه در معرض دشمنی ها قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد: که لازمه آن اقتصادی مقاومتی است. یکی از مصادیق دشمنی با جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد، تحریم نفتی است. وابستگی کشور به درآمدهای نفتی مساله ای است که دشمنان از آن برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران استفاده می کنند. به این معنی که تحریم های نفتی باهدف کاهش درآمدهای نفتی ایران و تحت فشار قرار گرفتن مردم و دولت طراحی شده اند. با توجه به منشور اساسی اصل ۴۴ قانون اساسی و دستور مقام معظم رهبری برای تسریع در انجام واگذاری بخش های مختلف اقتصادی به بخش خصوصی در راستای اهداف برنامه چهارم و سند چشم انداز بیست ساله کشور و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، دولت بتواند گام مثبتی در جهت شکوفایی اقتصادی کشور با تاکید بر افزایش رشد اقتصادی، کاهش میزان بیکاری و جلوگیری از هزینه های مضاعف بردارد. در مسیر تحقق اقتصاد پایدار که توان مقابله با تهدیدهای مختلف را دارا باشد، مهار سوداگری و فساد اقتصادی است. منظور از سوداگری فعالیت های غیر مولدی است که از تلاطمات و نوسان های بازار سوء استفاده نموده و بهره مندی هایی را نصیب برخی افراد می گرداند که در قالب اقتصادرقتی جایگاهی ندارد. البته نیک می دانیم که فساد در اقتصاد ریشه های توسعه

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

را می خوشکانند و قدرت اقتصادی کشور را ضعیف نموده و اعتماد عمومی را نسبت به حاکمیت از بین می برد و بجای ایجاد مقاومت در اقتصاد فرصت های بدست آمده را تبدیل به تهدید می کند و چالشهای اقتصادی را دامن می زند.. اقتصاد مقاومتی یک هدف بسیار مهم برای سیاستمداران و اقتصاد دانان و حاکمیت است که روزه روزه این عنوان برای اقتصاد کشور مان نمود پیدا می کند و باید همه ب فکر این مسئله باشند در نهایت اقتصاد مقاومتی لازمه اش توجه به صنعت و فن آوری و قدرت بر تر در دست یابی به تکنولوژی بر تر است. که این مهم از طریق رونق کار آفرینی در کشور امکان پذیر است.

خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادها

دنیای امروز، عصر دانایی و بینش است و هر که متفکترتر باشد متحول تر و در نهایت موفق تر است، تجارت سایر کشورها نیز نشان می دهد که آنهایی که بیشتر به فکر متکی بودند تا بر ذخایر زیرزمینی، در بلند مدت موفق تر و سرفرازتر بوده اند. نمونه این کشورها ژاپن و آلمان، انگلیس و فرانسه را می توان نام برد. امروزه کشورهای توسعه یافته را با الگوهای مختلف توسعه بررسی می کنند. شاید بهتر باشد موفقیت آنها را از یک زاویه دید مورد سنجش قرار داد و آن اینکه، اقتصادی توسعه یافته است که بتواند شرکتهای موفق را در یک محیط بین المللی سازماندهی کند. در کشور ما مراکز حمایت از کارآفرینان بسیار محدود و کارآفرین با تمام مشکلات ضمن تلاش جهت تبدیل ایده به محصول باید تمام خطر سرمایه گذاری را خود عهده دار باشد. مراکز حمایت از کارآفرینان به دلیل نداشتن پشتوانه مالی و عدم حمایت جدی از طرف نهادهای ذیربط قادر نیستند پاسخگوی نیازهای مالی کارآفرینان باشند. کارآفرینان با ایجاد «SMEها» با سرمایه محدود خود و گاهی با دریافت مقداری وام وارد یک حرکت اقتصادی و صنعتی می شوند و در بسیاری از مواقع زندگی و امکانات خود را در راه توسعه صنعتی از دست می دهند. با تولید دانش فنی یک محصول، توسط کارآفرین، شرکت های تولیدی خارجی توسط عوامل خود در کشور از این توانایی ها اطلاع یافته و قیمت محصول خود را چنان پایین می آورند که کارآفرین داخلی توان رقابت را از دست داده و در مدت کوتاهی ادامه فعالیت آنها متوقف می شود. در این مواقع اگر کارآفرین حمایت نشود نمی توان انتظار داشت کارآفرینی و ایجاد «SMEها» در کشور توسعه یابد. مهمترین آثار توسعه کارآفرینی، افزایش نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال و SMEها، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است که در نتیجه می تواند افزایش ثروت ملی را در بر داشته باشد. کدام سرمایه گذاری می تواند در این حد آثار مثبت اجتماعی و اقتصادی از خود باقی گذارد. در این خصوص لازم است تا از تجربه ارزنده دنیا با توجه نیروهای مساعد فراوان در کشور به خوبی استفاده و با جدیت برای توسعه کارآفرینی برنامه ریزی نمود. و دولت باید در برنامه توسعه پنجم و سند چشم انداز بیست ساله کشور به مسئله مهم کار آفرینی برای

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

دست یابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار برنامه ریزی دقیق نماید. لازمه این امر توسعه مراکز رشد و فن اوری در استان های کشور می باشد. تنها راه رقابتی کردن فعالیت های اقتصاد در اقتصاد ایران تسریع در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است بنابر این از آنجایی که سند چشم انداز به ترسیم آینده ای آرمانی در دنیایی پر رقابت، پیچیده و به سرعت در حال تحول می پردازد، ضرورت سیاستگذاری گسترده در حوزه های مختلف، از بدیهات تحقق فلسفه اقتصاد رقابتی با تاکید بر سند چشم انداز بیست ساله کشور محسوب می شود. بر این اساس، چشم انداز دارای الزاماتی است که می بایست شناسایی شده و در سیاستگذاری های کلان کشور مورد توجه قرار گیرد این الزامات به شرح ذیل می باشند. دستیابی به اهداف چشم انداز بیش از هر چیز نیازمند بسیج گسترده و عظیم عزم و اراده ملی در دو بخش دولت و ملت است. جهت اهتمام این دو بخش به چشم انداز، می بایست اقدامات ریشه ای و فرهنگی خاصی صورت گیرد. در مرحله اول از اقدامات فرهنگی، ارابه شناخت و درک کامل آحاد مردم (از جمله مدیران دولتی) به چشم انداز و تقویت باور عمومی به قابل دسترس بودن اهداف مندرج در آن جای می گیرد. مرحله دوم از اقدامات فرهنگی تفویض حس مسئولیت اجتماعی به تک تک آحاد جامعه برای تحقق اهداف چشم انداز است. به عبارت بهتر؛ فرهنگ سازی در بعد چشم انداز به مفهوم تعریف چشم انداز همچون سرود ملی برای ملت و تهییج مردم به همیاری آگاهانه با دولت برای تحقق آن است. در نهایت در برنامه پنجم که برنامه پیشرفت و عدالت نام گذاری شده است باید این اتفاق ملی برای پیشبر واقعی در اقتصاد کشور به منصف ظهور گذاشته شود تا اقتصادی پویا در برنامه پنجم و سند چشم انداز تجربه شود. در نهایت آنچه که اقتصاد کشور را از راه رسیدن به توسعه پایدار بر مبنای رقابت در اقتصاد دور می کند دخالت دولت در اقتصاد ملی است که یکی از پیامدهای مداخله دولت در اقتصاد ایجاد فساد مالی است. حذف فساد در اقتصاد کشور یک اصل اساسی برای تحقق اقتصاد مقاومتی می باشد. توجه جدی به اجرای کامل سیاست های اصل ۴۴ در جهت ایجاد یک انقلاب اقتصادی و لزوم ورود واقعی بخش خصوصی به فضای تولیدی کشور با شکل گیری رقابت اقتصادی، استفاده ی عملی از مشارکت واقعی مردم در صحنه ی فعالیت های اقتصادی، به عنوان حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی می باشد.

منابع و مآخذ

فارسی

امینی ابراهیم، ۱۳۸۱ "خصوصی سازی، مجله تدبیر شماره ۱۲۳، انتشارات سازمان برنامه و بودجه تیر ماه.

دانش جعفری ۱۳۸۶ گزارش عملکرد وزارت امور اقتصادی و دارایی در برنامه ریزی و توسعه تیر ماه، تهران

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

رزاقی ابراهیم، ۱۳۷۶ نقدی بر خصوصی سازی در ایران، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا،

سامتی مرتضی، سامتی مجید (۱۳۸۵)، "بررسی تاثیر آزاد سازی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی با رهیافت Panel Data پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران شماره ی ۲۰ بهار

غربالی مقدم، یونس (۱۳۸۰)، "درآمدی بر خصوصی سازی: پیش نیازها و روشها"، مجله ناظر اقتصاد، شماره ۴، سال دوم.

فرزین محمد رضا ۱۳۸۴. مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی چاپ

کریمی پتانلار، سعید ۱۳۸۳ خصوصی سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران شماره سیزدهم

کریمی پتانلار، سعید و محنت فر، یوسف ۱۳۸۵ ارزیابی نقش درآمدهای نفتی در اندازه دولت در اقتصاد ایران همایش ملی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تهران بهمن ماه

کميجانی، اکبر، محمد رحيم احمدوند (۱۳۷۷)، "ارزیابی عملکرد واگذاری سهام در سازمان های عمده واگذارکننده"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۳.

متوسلی، محمود (۱۳۷۳)، "خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی" مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. تهران،

وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان خصوصی سازی (۱۳۸۰)، مجموعه قوانین و مقررات خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

انگلیسی

Beesly, Michael and Stephen little child (۱۹۸۳), "privatization principles problems and priorities" lioyds bank review, july p.۱.

bishop, matthew. & john key , & colin mayer , (۱۹۹۶), privatization & economic

Blanchard, O. and R. Perotti (۱۹۹۹); "An Empirical Characterization of the Dynamic Effects of Changes in Government Spending and Taxes on Output", NBER Working Paper, No. ۷۲۶۹

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
همایش ملی اقتصاد و معامتی "حاشها، واقعها، راهکارها"

Borensztein , Eduardo & manmodan s. kumar(۱۹۹۱) , "proposals for privatization hen eastern Europe," , Washington D.C. international monetary fund , research.

Carlsson,F.and S.Lundstrom(۲۰۰۰),"Economic Freedom and Growth", Department of Economics, Goteborg University, Working Paper in Economics, ۳۳.

Cole, Jolio H. (۲۰۰۳): "The Contribution of Economic Freedom to World Economic Growth, ۱۹۸۰-۹۹", Cato Jornal, ۲۳(۲), pp. ۱۸۹-۱۹۸

Cook , pall. & Frederick nix son (۱۹۹۸), "privatization enterprise development & economic reform : experiences of developing & transitional economics , Cheltenham ,U.K: edwards, elgar. Countries", Quarterly Journal of Economics, ۱۰۶(۲), pp. ۴۰۷- ۴۴۳

Devarajan, S.V. Swaroop and H. F. Zou (۱۹۹۶); "The Composition of Public Expenditure and Economic Growth", Journal of Monetary Economics ;۳۷.

Diator boo (۱۹۹۱),"privatization: theoretical treatment London poor oxford , P.V.

Economic Freedom of the world, annual report (۲۰۰۴), Fraser

Frankel, Jeffrey . and davi romer (۱۹۹۶), "trad and growth: an empirical investigation", NBER working paper, no. ۵۴۷۶. barro, Robert j. And jong wha lee(۱۹۹۴), :souces of Economic growth (whit comments fromnancy stokey)", Carnegie- Rochester conference series on public pokicy ۴۰.

Hann, j. And j. Sturm (۱۹۹۹), on the relationship between economic freedom and economic growth, department of economic, University of Groningen.

Index of economic freedom (۲۰۰۳), heritage foundation and the wall street journal.

Index of economic freedom (۲۰۰۳), heritage foundation and the wall street journal.institute.

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
همایش ملی اقتصاد و معاومتی "حاشها، واقعتهها، راهکارها"

Kamal S. Shehadi, Lessons In Privatization United Nations Development Programme, January ۲۰۰۲, p.۲۰

Karras g. and e. b. ayal (۱۹۹۸), "components of Economic freedom and growth: an empirica study", university of Illinois at chicagi, the journal of developing areas, ۳۲(۳).

Levine, ross and david renelt (۱۹۹۲), "a sensitivity analysis of cross- country growth regressions", American economic review, ۸۲(۴), pp. ۹۴۲- ۶۳.

Sachs, Jeffrey d. and Andrew warner (۱۹۹۵), "economic reform and the process of global integration (whit comments and discussion)", is brooking on economic activity ۱۱-۱۱۸. Floster S. and M. Hensekson (۲۰۰۰); "Growth Effects of Government Expenditure and Taxation in Rich Countries", European Economic Review.

Therraldur Gylfason, (۲۰۰۲). "Mother Earth: ally ation reexamined", Economic inquiry.